

فیلم شناخت سینما و سایر هنرها

سینما و همگرایی هنرها: رویکردی میان‌رسانه‌ای

مقدمه

سینما، که به درستی «هنر هفتم» نامیده می‌شود، هرگز یک جزیره جدا افتاده نبوده است؛ بلکه همواره به عنوان یک «اثر هنری جامع» عمل کرده که در آن مرزهای نقاشی، معماری، موسیقی، تئاتر و عکاسی در هم می‌آمیزند. لیست پیش‌رو فراتر از یک معرفی ساده فیلم است؛ این مجموعه‌ای است که با رویکرد «میان‌رسانه‌ای» (Intermediality) گردآوری شده است.

در مطالعات فیلم، میان‌رسانه‌ای بودن تنها به معنای اقتباس یک فیلمنامه از یک کتاب نیست؛ بلکه به لحظاتی اشاره دارد که فرم سینما تغییر ماهیت می‌دهد تا منطق سایر هنرها را در خود جذب کند. در اینجا ما به دنبال فیلم‌هایی هستیم که در آن‌ها دوربین مانند قلم‌مو حرکت می‌کند (نقاشی)، تدوین از ریتم موسیقی پیروی می‌کند، صحنه‌پردازی به مثابه معماری عمل می‌کند و یا بازیگری، دیوارهای نامرئی تئاتر را به چالش می‌کشد.

آثار انتخاب شده در این لیست، ترکیبی از شاهکارهای هنری و فیلم‌های تحسین‌شده با نمرات بالای IMDb هستند که توسط مؤلفان برجسته تاریخ سینما کارگردانی شده‌اند. این فیلم‌ها صرفاً «درباره» هنر نیستند، بلکه خود هنر را در کالبد تصاویر متحرک بازآفرینی می‌کنند. برای دانشجویان سینما، هنردوستان و مخاطبان جدی، تماشای این آثار کلاسی درس است برای درک اینکه چگونه سینما می‌تواند همزمان هم تصویر باشد، هم صدا، هم حجم و هم زمان.

(تهیه و تنظیم: دکتر میثم یزدی- گروه نمایش و سینما دانشکده هنر تهران مرکزی)

فیلم شناخت سینما و سایر هنرها

۱. سینما و نقاشی

تمرکز: تابلو ویوان (تصویر زنده)، تکنیک‌های نورپردازی (سایه‌روشن یا کیاروسکورو) و نگاه نقاشانه.

۱. بری لیندون (Barry Lyndon)

- سال: ۱۹۷۵
- امتیاز IMDb: ۸.۱
- کارگردان: استنلی کوبریک
- بافت میان‌رسانه‌ای: کوبریک از لنزهای خاص زایس (که برای ناسا ساخته شده بود) استفاده کرد تا تنها با نور شمع فیلمبرداری کند و زیبایی‌شناسی نقاشی‌های قرن هجدهم (گینزبرو و هوگارت) را بازآفرینی کند. فیلم عملاً مجموعه‌ای از نقاشی‌های متحرک رنگ روغن است.

۲. پرتره بانویی در آتش (Portrait of a Lady on Fire)

- سال: ۲۰۱۹
- امتیاز IMDb: ۸.۱
- کارگردان: سلین سیاما
- بافت میان‌رسانه‌ای: کاوشی عمیق در «نگاه زنانه» در مقابل «نگاه هنرمند». فیلم عمل نقاشی کردن را واسازی می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه رابطه بین نقاش و مدل (الهه الهام) روی بوم ترجمه می‌شود.

۳. آندری روبلو (Andrei Rublev)

- سال: ۱۹۶۶
- امتیاز IMDb: ۸.۰
- کارگردان: آندری تارکوفسکی
- بافت میان‌رسانه‌ای: این شاهکار درباره شمایل‌نگار مشهور روس، از فیلمبرداری سیاه و سفید برای ترسیم واقعیت خشن زندگی هنرمند استفاده می‌کند و تنها در پایان به رنگ منفجر می‌شود تا شمایل‌های باقی‌مانده را نشان دهد؛ تأکیدی بر تعالی هنر نسبت به تاریخ.

(تهیه و تنظیم: دکتر میثم یزدی- گروه نمایش و سینما دانشکده هنر تهران مرکزی)

فیلم شناخت سینما و سایر هنرها

۴. وینسنت دوست داشتنی (Loving Vincent)

- سال: ۲۰۱۷
- امتیاز IMDb: ۷.۸
- کارگردان: دوروتا کویبلا، هیو ولچمن
- بافت میان رسانه‌ای: اولین فیلم بلند تماماً نقاشی شده. هر فریم یک نقاشی رنگ روغن روی بوم به سبک ونگوگ است که رسانه نقاشی را به رسانه زمانی سینما تبدیل می‌کند.

۵. رویاها (Dreams - ایزود کلاغها)

- سال: ۱۹۹۰
- امتیاز IMDb: ۷.۷
- کارگردان: آکیرا کوروساوا
- بافت میان رسانه‌ای: در ایزود «کلاغها»، یک دانشجو به صورت فیزیکی وارد یکی از نقاشی‌های ونگوگ می‌شود. این یکی از مستقیم‌ترین نمونه‌های میان رسانه‌ای است که از جلوه‌های ویژه برای ادغام لایو-اکشن با بافت هنر امپرسیونیستی استفاده می‌کند.

فیلم شناخت سینما و سایر هنرها

۲. سینما و مجسمه‌سازی

تمرکز: تجسم‌یافتگی (Plasticity)، اسطوره پیگمالیون (زنده شدن مجسمه) و تنش بین سکون و حرکت.

۱. سفر به ایتالیا (Journey to Italy)

- سال: ۱۹۵۴
- امتیاز IMDb: ۷.۳
- کارگردان: روبرتو روسلینی
- بافت میان‌رسانه‌ای: بازدید شخصیت‌ها از موزه باستان‌شناسی ناپل، جایی که دوربین روی مجسمه‌های باستانی حرکت می‌کند (پن)، تضاد بین کمال ابدی و سرد مجسمه و طبیعت آشفته و گذرای ازدواج زوج را برجسته می‌کند.

۲. سال گذشته در مارین‌باد (Last Year at Marienbad)

- سال: ۱۹۶۱
- امتیاز IMDb: ۷.۷
- کارگردان: آلن رنه
- بافت میان‌رسانه‌ای: شخصیت‌ها اغلب مانند تندیس‌هایی در یک باغ باروک پر از مجسمه‌های واقعی منجمد می‌شوند. فیلم مرز بین جاندار (بازیگران) و بی‌جان (مجسمه) را محو می‌کند و معماری رویایی و منجمدی از زمان می‌سازد.

۳. زندگی شیرین (La Dolce Vita)

- سال: ۱۹۶۰
- امتیاز IMDb: ۸.۰
- کارگردان: فدریکو فلینی
- بافت میان‌رسانه‌ای: فیلم با حمل مجسمه مسیح توسط هلیکوپتر بر فراز رم آغاز می‌شود (تضاد مجسمه مقدس و ماشین‌آلات مدرن). سکانس فواره تروی نیز بازیگران را به بخش‌هایی زنده از این بنای یادبود تبدیل می‌کند.

(تهیه و تنظیم: دکتر میثم یزدی- گروه نمایش و سینما دانشکده هنر تهران مرکزی)

فیلم شناخت سینما و سایر هنرها

۴. کامیل کلودل (Camille Claudel)

- سال: ۱۹۸۸
- امتیاز IMDb: ۷.۲
- کارگردان: برونو نویتن
- بافت میان‌رسانه‌ای: یک بیوگرافی متمرکز بر فیزیکی بودن مجسمه‌سازی. فیلم بر ماهیت لمسی گل و سنگ تأکید دارد و تلاش خشونت‌آمیز لازم برای استخراج فرم از ماده خام را نشان می‌دهد.

۵. رنج و سرمستی (The Agony and the Ecstasy)

- سال: ۱۹۶۵
- امتیاز IMDb: ۷.۲
- کارگردان: کارول رید
- بافت میان‌رسانه‌ای: تمرکز بر میکل آنژ. اگرچه به نقاشی کلیسای سیستین می‌پردازد، اما فیلم عمیقاً هویت او را به عنوان یک مجسمه‌ساز که مجبور به نقاشی شده بررسی می‌کند و تفاوت تفکر ابعادی بین این دو هنر را برجسته می‌سازد.

فیلم شناخت سینما و سایر هنرها

۳. سینما و موسیقی

تمرکز: ریتم، چندصدایی (Polyphony)، اجرای درون داستانی (Diegetic) و «موسیقی بصری».

۱. پیانیست (The Pianist)

- سال: ۲۰۰۲
- امتیاز IMDb: ۸.۵
- کارگردان: رومن پولانسکی
- بافت میان رسانه‌ای: موسیقی در اینجا فقط موسیقی متن نیست، بلکه ناجی روایت است. صحنه‌ای که اشپیلمن بالاد شماره ۱ شوپن را می‌نوازد، یک گفتگوی خالص میان رسانه‌ای است که در آن موسیقی جایی سخن می‌گوید که زبان از آن عاجز است.

۲. آمادئوس (Amadeus)

- سال: ۱۹۸۴
- امتیاز IMDb: ۸.۴
- کارگردان: میلوش فورمن
- بافت میان رسانه‌ای: تدوین فیلم اغلب با موسیقی هماهنگ شده است. فیلم فرآیند آهنگسازی را تجسم می‌بخشد و نشان می‌دهد که چگونه معماری موسیقی قبل از نوشته شدن، در ذهن ساخته می‌شود.

۳. سه رنگ: آبی (Three Colors: Blue)

- سال: ۱۹۹۳
- امتیاز IMDb: ۷.۹
- کارگردان: کریشتوف کیشلوفسکی
- بافت میان رسانه‌ای: داستان حول تکمیل یک سمفونی می‌چرخد. فیلم از فیده‌های ناگهانی به سیاهی همراه با انفجار موسیقی استفاده می‌کند تا فرآیند تفکر موسیقایی درونی قهرمان را که واقعیت را قطع می‌کند، نشان دهد.

(تهیه و تنظیم: دکتر میثم یزدی- گروه نمایش و سینما دانشکده هنر تهران مرکزی)

فیلم شناخت سینما و سایر هنرها

۴. ویپلش (Whiplash)

- سال: ۲۰۱۴
- امتیاز IMDb: ۸.۵
- کارگردان: دیمین شزل
- بافت میان‌رسانه‌ای: سینما به عنوان یک ساز کوبه‌ای. ریتم تدوین شتاب می‌گیرد تا با درامینگ جاز مطابقت پیدا کند و ارتباطی فیزیکی و احشایی بین کات بصری و ضرب آهنگ ایجاد می‌کند.

۵. فانتازیا (Fantasia)

- سال: ۱۹۴۰
- امتیاز IMDb: ۷.۷
- کارگردان: والت دیزنی (گروهی)
- بافت میان‌رسانه‌ای: آزمایش نهایی در «موسیقی بصری». فیلم روایت سنتی را رها می‌کند تا انیمیشنی انتزاعی و بازنمایی‌کننده بسازد که دقیقاً از ساختار موسیقی کلاسیک پیروی می‌کند.

فیلم شناخت سینما و سایر هنرها

۴. سینما و معماری

تمرکز: فضا به مثابه کاراکتر، پادآرمان شهرهای شهری و محیط‌های «ساخته شده».

۱. متروپولیس (Metropolis)

- سال: ۱۹۲۷
- امتیاز IMDb: ۸.۳
- کارگردان: فریتز لانگ
- بافت میان‌رسانه‌ای: معماری فیلم (ترکیبی از آرت دکو، گوتیک و فوتوریسم) سلسله‌مراتب اجتماعی را دیکته می‌کند. این فیلم مثال قطعی چگونگی روایت مبارزه طبقاتی توسط طراحی صحنه و مقیاس معماری است.

۲. بلید رانر (Blade Runner)

- سال: ۱۹۸۲
- امتیاز IMDb: ۸.۱
- کارگردان: ری‌دلی اسکات
- بافت میان‌رسانه‌ای: مطالعه‌ای در معماری «بازسازی‌شده» (Retro-fitting). شهر یک هزارتوی متراکم و عمودی است که سازه‌های باستانی را با لایه‌های تکنولوژیک ادغام می‌کند و بر نحوه تجسم فضاهای شهری آینده تأثیر گذاشته است.

۳. درخشش (The Shining)

- سال: ۱۹۸۰
- امتیاز IMDb: ۸.۴
- کارگردان: استنلی کوبریک
- بافت میان‌رسانه‌ای: هتل اورلوک آنتاگونیست (شخصیت منفی) اصلی است. کوبریک منطقی فضایی غیرممکن (پنجره‌های غیرممکن، راهروهای تکرارشونده) خلق می‌کند که بیننده را سردرگم کرده و معماری را منبع وحشت می‌سازد.

(تهیه و تنظیم: دکتر میثم یزدی- گروه نمایش و سینما دانشکده هنر تهران مرکزی)

فیلم شناخت سینما و سایر هنرها

۴. زنگ تفریح (Playtime)

- سال: ۱۹۶۷
- امتیاز IMDb: ۷.۸
- کارگردان: ژاک تاتی
- **بافت میان‌رسانه‌ای:** تاتی یک دکور شهری عظیم («تاتی‌ویل») ساخت تا معماری مدرنیست شیشه‌ای و فولادی را نقد کند. فیلم از بازتاب‌ها در ساختمان‌های شیشه‌ای برای گیج کردن فضای داخلی و خارجی استفاده می‌کند.

۵. هتل بزرگ بوداپست (The Grand Budapest Hotel)

- سال: ۲۰۱۴
- امتیاز IMDb: ۸.۱
- کارگردان: وس اندرسون
- **بافت میان‌رسانه‌ای:** استفاده از مفهوم «خانه عروسکی» یا ماکت. فیلم بر تقارن، برش‌های مقطعی (Cross-sections) و نمای ساختمان تأکید دارد و صفحه سینما را همچون یک نقشه معماری تخت در نظر می‌گیرد.

فیلم شناخت سینما و سایر هنرها

۵. سینما و تئاتر

تمرکز: دیوار چهارم، صحنه‌پردازی تئاتری و بازیگری نمایشی.

۱. بردمن (Birdman)

- سال: ۲۰۱۴
- امتیاز IMDb: ۷.۷
- کارگردان: الخاندرو گونزالس ایناریتو
- بافت میان‌رسانه‌ای: فیلم به گونه‌ای فیلمبرداری شده که شبیه یک برداشت بلند واحد (سکانس-پلان) باشد، و ماهیت زمان واقعی تئاتر را تقلید می‌کند در حالی که از میان هزارتوی پشت صحنه حرکت می‌کند و دوربین سینمایی را با صحنه تئاتر ادغام می‌کند.

۲. داگویل (Dogville)

- سال: ۲۰۰۳
- امتیاز IMDb: ۸.۰
- کارگردان: لارس فون تریه
- بافت میان‌رسانه‌ای: یک آزمایش رادیکال برشتی. دیواری وجود ندارد، تنها خطوط گچی روی کفی سیاه. این امر مخاطب را مجبور به تخیل صحنه می‌کند و سینما را به بازیگری تئاتری و نورپردازی تقلیل می‌دهد.

۳. اتوبوسی به نام هوس (A Streetcar Named Desire)

- سال: ۱۹۵۱
- امتیاز IMDb: ۸.۰
- کارگردان: الیا کازان
- بافت میان‌رسانه‌ای: کلاستروفوبیای نمایشنامه را حفظ می‌کند اما از کلوزآپ‌های سینمایی برای تشدید فشار روانی استفاده می‌کند. این فیلم سندی از برخورد بازیگری کلاسیک تئاتری (ویوین لی) و بازیگری متد (مارلون براندو) است.

(تهیه و تنظیم: دکتر میثم یزدی- گروه نمایش و سینما دانشکده هنر تهران مرکزی)

فیلم شناخت سینما و سایر هنرها

۴. همه چیز درباره ایو (All About Eve)

- سال: ۱۹۵۰
- امتیاز IMDb: ۸.۲
- کارگردان: جوزف ال. منکیه‌ویچ
- بافت میان‌رسانه‌ای: فیلمی درباره جهان تئاتر. از فیلمنامه‌هایی با دیالوگ‌های سنگین و تیز که خاص صحنه تئاتر است استفاده می‌کند و تمایز بین «ستاره» صحنه تئاتر و «تصویر» پرده سینما را بررسی می‌کند.

۵. نیویورک، جز به کل (Synecdoche, New York)

- سال: ۲۰۰۸
- امتیاز IMDb: ۷.۶
- کارگردان: چارلی کافمن
- بافت میان‌رسانه‌ای: یک کارگردان تئاتر تلاش می‌کند یک ماکت در اندازه واقعی از شهر نیویورک را درون یک انبار برای یک نمایش بسازد. این فیلم ناممکن بودن بازنمایی کامل در هنر را بررسی کرده و مرز بین نمایش و زندگی واقعی کارگردان را محو می‌کند.

فیلم شناخت سینما و سایر هنرها

۶. سینما و عکاسی

تمرکز: فریز-فریم (قاب ثابت)، ماهیت «حقیقت» در تصاویر و چشم‌چرانی (Voyeurism).

۱. پنجره عقبی (Rear Window)

- سال: ۱۹۵۴
- امتیاز IMDb: ۸.۵
- کارگردان: آلفرد هیچکاک
- بافت میان‌رسانه‌ای: قهرمان داستان عکاس است و قاب پنجره او مانند لنز دوربین عمل می‌کند. فیلم یک فرامتن (Meta-commentary) درباره عمل سینمایی تماشا کردن (چشم‌چرانی) و تفسیر تصاویر ثابت است.

۲. آگراندیسمان (Blow-Up)

- سال: ۱۹۶۶
- امتیاز IMDb: ۷.۶
- کارگردان: میکل آنجلو آنتونیونی
- بافت میان‌رسانه‌ای: فیلم قطعی درباره عکاسی. یک عکاس تصادفاً از یک قتل عکس می‌گیرد اما تنها زمانی متوجه آن می‌شود که نگاتیو را بزرگ (آگراندیسمان) می‌کند. فیلم سوال می‌کند که آیا دوربین حقیقت را آشکار می‌کند یا آن را در دانه‌های (Grain) تصویر حل می‌کند.

۳. اسکله (La Jetée)

- سال: ۱۹۶۲
- امتیاز IMDb: ۸.۳
- کارگردان: کریس مارکر
- بافت میان‌رسانه‌ای: یک «فتو-رمان» که تقریباً به طور کامل از عکس‌های ثابت ساخته شده است. این فیلم ثابت می‌کند که سینما در ذهن بیننده و از طریق تدوین (فاصله بین تصاویر) شکل می‌گیرد، نه فقط از طریق حرکت.

(تهیه و تنظیم: دکتر میثم یزدی- گروه نمایش و سینما دانشکده هنر تهران مرکزی)

فیلم شناخت سینما و سایر هنرها

۴. شهر خدا (City of God)

- سال: ۲۰۰۲
- امتیاز IMDb: ۸.۶
- کارگردان: فرناندو میرلس، کاتیا لوند
- بافت میان‌رسانه‌ای: قهرمان داستان (راکت) از عکاسی به عنوان سلاح و سپر استفاده می‌کند. صدای شاتر و فریز-فریم‌ها ریتم تدوین را دیکته می‌کنند و عکس‌های او در نهایت تبدیل به سند تاریخی روایت می‌شوند.

۵. پرسونا (Persona)

- سال: ۱۹۶۶
- امتیاز IMDb: ۸.۱
- کارگردان: اینگمار برگمان
- بافت میان‌رسانه‌ای: مشهور برای استفاده از کلوزآپ و رفتار با چهره انسان به عنوان یک منظره عکاسی. فیلم «تصویری» که ما ارائه می‌دهیم (پرسونا) را در مقابل روح درونی به چالش می‌کشد و اغلب از نورپردازی‌هایی استفاده می‌کند که نوردهی عکاسی را تقلید می‌کنند.

فیلم شناخت سینما و سایر هنرها

۷. سینما و مد و طراحی لوکس

تمرکز: لباس به عنوان روایت، بافت/پارچه و زیبایی‌شناسی لوکس گرایی.

۱. رشته خیال (Phantom Thread)

- سال: ۲۰۱۷
- امتیاز IMDb: ۷.۵
- کارگردان: پل توماس اندرسون
- **بافت میان‌رسانه‌ای:** داستان در دنیای اوت کوتور (خیاطی سطح بالا) لندن دهه ۵۰ می‌گذرد. فیلم وسواس زیادی نسبت به صداها و تصاویر لمسی پارچه (دوختن، بریدن، و آویختن) دارد و خیاطی را به عنوان هنری والا هم‌تراز با مجسمه‌سازی یا رهبری ارکستر نشان می‌دهد.

۲. در حال و هوای عشق (In the Mood for Love)

- سال: ۲۰۰۰
- امتیاز IMDb: ۸.۱
- کارگردان: وونگ کار-وای
- **بافت میان‌رسانه‌ای:** تغییر لباس‌های گل‌دار (چیپائو) که مگی چونگ می‌پوشد صرفاً لباس نیستند؛ آن‌ها گذر زمان و تغییر حالات روحی شخصیت‌ها را در فیلمی که دیالوگ کمی درباره زمان دارد، نشان می‌دهند.

۳. شیطان پرادا می‌پوشد (The Devil Wears Prada)

- سال: ۲۰۰۶
- امتیاز IMDb: ۶.۹
- کارگردان: دیوید فرانکل
- **بافت میان‌رسانه‌ای:** اگرچه یک کمدی تجاری است، اما نگاهی بی‌رحمانه و جامعه‌شناختی به «زنجره غذایی» طراحی لوکس دارد (مونولوگ معروف «آبی سیر»). نشان می‌دهد چگونه مد سطح بالا فرهنگ بصری را تا پایین‌ترین سطوح دیکته می‌کند.

(تهیه و تنظیم: دکتر میثم یزدی- گروه نمایش و سینما دانشکده هنر تهران مرکزی)

فیلم شناخت سینما و سایر هنرها

۴. یک مرد مجرد (A Single Man)

- سال: ۲۰۰۹
- امتیاز IMDb: ۷.۵
- کارگردان: تام فورد
- **بافت میان‌رسانه‌ای:** ساخته شده توسط یکی از مشهورترین طراحان مد جهان (تام فورد). فیلم یک کلاس درس در «طراحی لوکس» اعمال شده بر سینماست؛ هر آکسسوار، کت و شلوار و پالت رنگی با کمال‌گرایی انتخاب شده تا کنترل شدید قهرمان بر زندگی‌اش را بازتاب دهد.

۵. صبحانه در تیفانی (Breakfast at Tiffany's)

- سال: ۱۹۶۱
- امتیاز IMDb: ۷.۶
- کارگردان: بلیک ادواردز
- **بافت میان‌رسانه‌ای:** همکاری بین اوبر دو ژیوانشی و آدری هپبورن رابطه بین سینما و مد لوکس را تثبیت کرد. «پیراهن کوتاه مشکی» (Little Black Dress) خود به یک شخصیت تبدیل شد و ظرافت میانه قرن بیستم را تعریف کرد.

فیلم شناخت سینما و سایر هنرها

۸. سینما و شعر

این دسته به «سینمای شاعرانه» (Poetic Cinema) اختصاص دارد؛ جایی که منطقی علت و معلولی روایت (نثر) جای خود را به منطقی «تداعی معانی»، «ریتیم بصری» و «استعاره» (نظم) می‌دهد.

۱. Mirror (آینه)

- سال ساخت: ۱۹۷۵
- امتیاز IMDb: ۸.۱
- کارگردان: آندری تارکوفسکی (Andrei Tarkovsky)
- تحلیل میان‌رسانه‌ای: اوج سینمای شاعرانه. تارکوفسکی زمان را مانند کلمات یک شعر تقطیع می‌کند. فیلم خط روایی ندارد، بلکه مجموعه‌ای از خاطرات و رویاهاست که مثل ابیات یک غزل به هم پیوند خورده‌اند. پدر تارکوفسکی شاعر بود و اشعار او در فیلم شنیده می‌شود، اما خود تصاویر نیز وزن و قافیه بصری دارند.

۲. The Color of Pomegranates (رنگ انار)

- سال ساخت: ۱۹۶۹
- امتیاز IMDb: ۷.۶
- کارگردان: سرگئی پاراجانف (Sergei Parajanov)
- تحلیل میان‌رسانه‌ای: این فیلم زندگی‌نامه شاعر ارمنی «سایات‌نووا» است، اما نه به شکل داستانی. پاراجانف دوربین را ثابت نگه می‌دارد و صحنه‌ها را مانند تابلوهای نقاشی یا کلاژهای متحرک می‌چیند. فیلم تلاشی است برای ترجمه مستقیم استعاره‌های ادبی به تصویر، بدون واسطه دیالوگ.

۳. Wings of Desire (بال‌های اشتیاق)

- سال ساخت: ۱۹۸۷
- امتیاز IMDb: ۸.۰
- کارگردان: ویم وندرس (Wim Wenders)
- تحلیل میان‌رسانه‌ای: فیلمی که با همکاری پیتر هاندکه (نویسنده برنده نوبل) نوشته شده است. دوربین مانند روحی سرگردان (فرشته) در شهر می‌چرخد و افکار مردم را می‌شنود که گویی جریانی از شعر سیال ذهن هستند. ساختار فیلم غنایی (Lyrical) است تا دراماتیک. (تهیه و تنظیم: دکتر میثم یزدی- گروه نمایش و سینما دانشکده هنر تهران مرکزی)

فیلم شناخت سینما و سایر هنرها

۴. Paterson (پاترسون)

- سال ساخت: ۲۰۱۶
- امتیاز IMDb: ۷.۳
- کارگردان: جیم جارموش (Jim Jarmusch)
- تحلیل میان‌رسانه‌ای: فیلمی درباره یک شاعر که ساختار خود فیلم نیز شبیه به یک شعر است. روزهای هفته تکرار می‌شوند (مانند ردیف شعر) اما هر بار با تغییری جزئی (مانند قافیه). جارموش نشان می‌دهد چگونه نگاه شاعرانه می‌تواند روزمرگی را به هنر تبدیل کند.

۵. Dead Poets Society (انجمن شاعران مرده)

- سال ساخت: ۱۹۸۹
- امتیاز IMDb: ۸.۱
- کارگردان: پیتر ویر (Peter Weir)
- تحلیل میان‌رسانه‌ای: اگرچه فرم فیلم کلاسیک است، اما مهم‌ترین اثر سینمایی در ستایش شعر و ادبیات محسوب می‌شود. فیلم تقابل میان نگاه خشک و علمی به جهان (رنالیسم) و نگاه رمانتیک و شاعرانه را به تصویر می‌کشد و قدرت کلام را در تغییر سرنوشت نشان می‌دهد.

فیلم شناخت سینما و سایر هنرها

۹. سینما و رمان

رابطه سینما و ادبیات داستانی کهن‌ترین رابطه میان‌رسانه‌ای است. در اینجا فیلم‌هایی انتخاب شده‌اند که چالش «تبدیل کلمه به تصویر» را با استادی تمام حل کرده‌اند، یا از تکنیک‌های رمان‌نویسی (مثل جریان سیال ذهن، راوی غیرقابل اعتماد، و فصل‌بندی) استفاده کرده‌اند.

۱. The Godfather (پدرخوانده)

- سال ساخت: ۱۹۷۲
- امتیاز IMDb: ۹.۲
- کارگردان: فرانسیس فورد کاپولا (Francis Ford Coppola)
- تحلیل میان‌رسانه‌ای: نمونه‌ای عالی اینکه چگونه سینما می‌تواند از رمان (نوشته ماریو پوزو) فراتر رود. کاپولا با استفاده از نورپردازی و میزانشن، توصیفات طولانی کتاب درباره درونیات شخصیت‌ها را به اکت‌های کوتاه و نگاه‌های سنگین تبدیل کرد. این فیلم استاندارد طلایی اقتباس است.

۲. Apocalypse Now (اینک آخرالزمان)

- سال ساخت: ۱۹۷۹
- امتیاز IMDb: ۸.۴
- کارگردان: فرانسیس فورد کاپولا (Francis Ford Coppola)
- تحلیل میان‌رسانه‌ای: اقتباسی آزاد از رمان کوتاه «دل تاریکی» اثر جوزف کنراد. فیلم ساختار سفر درونی و استعاره‌ای رمان را حفظ می‌کند و از نریشن (Voice-over) به گونه‌ای استفاده می‌کند که گویی ادبیات بر روی تصاویر سوار شده است تا جنون جنگ را توصیف کند.

فیلم شناخت سینما و سایر هنرها

۳. No Country for Old Men (جایی برای پیرمردها نیست)

- سال ساخت: ۲۰۰۷
- امتیاز IMDb: ۸.۲
- کارگردان: برادران کوئن (Coen Brothers)
- تحلیل میان‌رسانه‌ای: وفادارترین ترجمه بصری از نثر خشک و مینیمالیستی «کورمک مک کارتی». کوئن‌ها با حذف موسیقی متن و تأکید بر سکوت، همان فضای خشن و بی‌رحم رمان را بازسازی کردند.

۴. Adaptation (اقتباس)

- سال ساخت: ۲۰۰۲
- امتیاز IMDb: ۷.۷
- کارگردان: اسپایک جونز (Spike Jonze)
- تحلیل میان‌رسانه‌ای: یک شاهکار متا-سینمایی (Meta-Cinema). فیلم درباره فیلمنامه‌نویسی است که تلاش می‌کند از یک کتاب غیرداستانی (دزد ارکیده)، یک فیلم بسازد. این اثر خود فرآیند اقتباس و درگیری ذهنی نویسنده با متن اصلی را به نمایش می‌گذارد و مرز واقعیت و داستان را می‌شکند.

۵. Little Women (زنان کوچک)

- سال ساخت: ۲۰۱۹
- امتیاز IMDb: ۷.۸
- کارگردان: گرتا گرویگ (Greta Gerwig)
- تحلیل میان‌رسانه‌ای: گرویگ ساختار خطی رمان کلاسیک را می‌شکند و با تدوین غیرخطی (زمانی)، دیالوگ بین گذشته و حال برقرار می‌کند. همچنین او پایان‌بندی فیلم را به گونه‌ای طراحی می‌کند که هم به رمان وفادار باشد و هم نقدی مدرن بر صنعت نشر و اجبار نویسندگان زن به نوشتن پایان‌های خوش وارد کند

فیلم شناخت سینما و سایر هنرها

۱۰- سینما و گیم ها

گرچه این ژانر در تاریخ سینما اغلب با شکست مواجه شده است (اصطلاحاً «نفرین فیلم‌های بازی»)، اما در سال‌های اخیر آثاری ساخته شده‌اند که توانسته‌اند با درک درست از «زیبایی‌شناسی دیجیتال» و وفاداری به اتمسفر بازی، نظرات را تغییر دهند. این لیست شامل فیلم‌هایی است که بهترین نمرات و رویکرد هنری را در این ژانر داشته‌اند:

۱. Tetris (تتریس)

- سال ساخت: ۲۰۲۳
- امتیاز IMDb: ۷.۴
- کارگردان: جان اس. برد (Jon S. Baird)
- تحلیل میان‌رسانه‌ای: اگرچه این فیلم یک درام زندگینامه‌ای درباره ساخت بازی است و نه داستان خود بازی، اما فرم بصری آن کاملاً متأثر از زیبایی‌شناسی «۸-بیتی» (۸-bit) است. کارگردان از گرافیک پیکسلی برای ترنزیشن‌ها (Transitions) و تعقیب و گریزهای ماشینی استفاده می‌کند تا ذهنیت خالق بازی را به تصویر بکشد. فیلم جهان جاسوسی جنگ سرد را با منطق بلوک‌های تتریس که باید در جای درست قرار بگیرند، ترکیب می‌کند.

۲. Gran Turismo (گرن توریزمو)

- سال ساخت: ۲۰۲۳
- امتیاز IMDb: ۷.۱
- کارگردان: نیل بلومکمپ (Neill Blomkamp)
- تحلیل میان‌رسانه‌ای: نیل بلومکمپ که استاد جلوه‌های ویژه است، در این فیلم مرز بین «شبیه‌ساز» (Simulator) و «واقعیت» را محو می‌کند. فیلم پر از المان‌های گرافیکی رابط کاربری بازی (HUD) است؛ خطوط مسابقه، سرعت‌سنج و رتبه‌بندی‌ها روی تصاویر واقعی پیست اتومبیل‌رانی ظاهر می‌شوند. این تکنیک نشان می‌دهد که قهرمان داستان، جهان واقعی را از دریچه منطق گیم می‌بیند و مهارت‌های مجازی قابل انتقال به جهان فیزیکی هستند.

(تهیه و تنظیم: دکتر میثم یزدی- گروه نمایش و سینما دانشکده هنر تهران مرکزی)

فیلم شناخت سینما و سایر هنرها

۳. The Super Mario Bros. Movie (فیلم برادران سوپر ماریو)

- سال ساخت: ۲۰۲۳
- امتیاز IMDb: ۷.۰
- کارگردان: آرون هورواث و مایکل جلنیک
- تحلیل میان‌رسانه‌ای: وفادارترین ترجمه بصری از مکانیک «پلتفرمر» (Platformer) به سینما. حرکت دوربین در صحنه‌های اکشن، یادآور حرکت دویجی (Side-scrolling) بازی‌های کلاسیک است که ناگهان به سه‌بعدی تغییر می‌کند. فیلم منطق «پاور-آپ» (Power-up) یا قارچ‌های جادویی را دقیقاً به عنوان ابزاری دراماتیک برای پیشبرد روایت استفاده می‌کند و موسیقی متن، بازسازی ارکسترال ملودی‌های ۸-بیتی کوچی کوندو است.

۴. Warcraft (وارکرفت)

- سال ساخت: ۲۰۱۶
- امتیاز IMDb: ۶.۷
- کارگردان: دانکن جونز (Duncan Jones)
- تحلیل میان‌رسانه‌ای: دانکن جونز (پسر دیوید بویی) تلاش کرد تا مقیاس عظیم بازی‌های استراتژیک (RTS) و نقش‌آفرینی (MMORPG) را بازسازی کند. برخلاف فیلم‌های فانتزی معمول (مثل ارباب حلقه‌ها) که به سمت رئالیسم می‌روند، وارکرفت به پالت رنگی اغراق‌آمیز، شانه‌های پهن و زره‌های بزرگ کاراکترهای بازی وفادار ماند. استفاده از تکنولوژی موشن کپچر (Motion Capture) برای اورک‌ها، تلاش برای حفظ فیزیک خاص موجودات داخل بازی بود.

۵. Silent Hill (سایلنت هیل)

- سال ساخت: ۲۰۰۶
- امتیاز IMDb: ۶.۵
- کارگردان: کریستف گان (Christophe Gans)
- تحلیل میان‌رسانه‌ای: از نظر بسیاری از منتقدان هنری، این فیلم بهترین بازسازی «اتمسفر» یک بازی است. کارگردان زوایای دوربین (Camera Angles) را دقیقاً مشابه زوایای عجیب و دلهره‌آور بازی‌های پلی‌استیشن ۱ طراحی کرد. استفاده از مه غلیظ و صدای آژیر برای تغییر فاز دنیا (از حالت عادی به کابوس)، ترجمه مستقیم مکانیک بازی به زبان سینماست بدون اینکه حس مصنوعی بودن به مخاطب بدهد.

(تهیه و تنظیم: دکتر میثم یزدی- گروه نمایش و سینما دانشکده هنر تهران مرکزی)